**باسمه تعالی**

**هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.**

**موضوع**: تعارض/مقدمات/تعریف/خروج تزاحم از تعریف /مرجحات تزاحم/ مرجح سوم: اسبقیت

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات گذشته تقریبا تمامی اقوال و ادله مرجحیت مرجح سوم، اسبقیت زمانی بیان شد.

نکته مهم در متزاحمین متقدم و متأخر است آنجا است که مشروط به قدرت شرعی هستند و متأخر اهم میباشد، مرحوم محقق نائینی قدس سره فرمود در آنجا هم ترجیح با اسبق زمانی است.

در نظر تحقیق ترجیح اسبق حتی در جایی که متأخر اهم است در فقه مورد عمل نیست، حتی عمل محقق نائینی در فقه بر خلاف این چیزی است که در اصول آن را اختیار کرده است. محقق خویی در تعلیقه اجود التقریرات ترجیح به اسبقیت به طور مطلق را حتی در موردی که متأخر اهم است نپذیرفته است و فروع فقهی زیادی را بر آن مترتب کرده است.

از جمله آن فروع که محقق نائنیی هم متأخر اهم را مقدم کرده است فرعی است که امر دوران دارد بین قیام و بین رکوع و سجود جلوسی، ایشان در این فرع فرموده اند: «رکوع و سجود جلوسی مقدم است بر قیام» و شرط قدرت در دلیلشان اخذ شده است لذا «اذا قوی» یا «اذا قدر» در دلیلشان اخذ شده است. خصوصا ذکر بدل «إن لم یستطع» دلیل بر آن است که قدرت در آن احکام به نحو قدرت شرعی اخذ شده است.

ما اطمینان داریم که در تزاحم بین حکم سابق و لاحق اهم که هر دو مشروط به قدرت شرعی هستند محقق نائینی لاحق اهم را مقدم میدارند. ایشان هر چند در دروان امر بین قیام و رکوعِ با اشاره و بین ترک قیام و رکوع کامل، با احتیاط قیام را مقدم کرده اند اما در دوران امر بین قیام و رکوع و سجود جلوسی ـ با اینکه رکوع و سجود، رکوع و سجود تام نبوده و به حالت جلوسی است ـ فتوا به تقدیم آنها داده اند.

استثنای محقق نائنیی

محقق نائینی در ادامه میفرمایند: ترجیح به اسبقیت در جایی که هر دو حکم مشروط به قدرت شرعی هستند درجایی است که جهت و خصوصیتی برای ترجیح متأخر نباشد. گاهی خصوصیتی به مورد ضمیمه شده و سابق را مرجوح و لاحق را راجح میکند.

ایشان به این مناسبت وارد بحثی شده اند که منسوب به صاحب جواهر است.

صاحب جواهر در دوران امر بین وجوب وفای به نذر و وجوب حج، وجوب وفای نذر را مقدم میکنند.

محقق نائینی میفرمایند در این فرع که هر دو مشروط به قدرت شرعیه هستند با اینکه وجوب وفای به نذر از لحاظ زمانی سابق است اما ترجیح با آن نیست، در این جا خصوصیتی نمیگذارد اسبقیت مرجح باشد. و خصوصیت آن است که دلیل وجوب وفای به نذر دارای قیدی است که آن قید موجب تقدم حج میگردد و آن قید عبارت است از اینکه وفای به نذر درجایی واجب است که نذر مستلزم محلّل حرام و محرّم حلال نباشد. منذور علاوه بر اینکه باید مقدور شرعی باشد باید مستلزم ترک واجب یا فعل حرام نباشد. در غیر این صورت اگر نذر مستلزم ترک واجب و فعل حرام باشد صادق است که نذر محلل حرام و محرم حلال است. نذر در جایی وجوب وفا دارد که اگر نذر نبود آن فعل واجبِ مزاحم یا حرامِ مزاحم نداشته باشد. و مراد از اینکه میگویند نذر باید رجحان داشته باشد، رجحان ذاتی نیست، بلکه مراد رجحان فعلی است.

مکلف نذر کرده است که در عرفه به زیارت حضرت امام حسین سلام الله علیه مشرف شود و از طرفی برای حج مستطیع شده است، در تزاحم بین این دو حکم وجوب حج مقدم است چون وفای به نذر مستلزم ترک واجب است ـ و نذری وجوب وفا دارد که مستلزم ترک واجب یا فعل حرام نباشد ـ لذا نذر وجوب وفا ندارد. اینجا اگر نذر نبود تکلیفی هست، و آن وجوب حج است. متعلق نذر زیارت حضرت امام حسین سلام الله علیه هر چند رجحان ذاتی دارد اما رجحان فعلی ندارد، وقتی این زیارت مستلزم ترک واجبی است نمیتوانی بگویی: «لله علی ان ازور الحسین سلام الله علیه». بنابراین نظر صاحب جواهر و کار ایشان که نذر میکرد تا حج دامن گیرش نشود نادرست است.

دو بیان برای نادرستی نظر ایشان وجود دارد:

1. نذر زمانی وجوب وفا دارد که مستلزم ترک واجب نباشد.
2. نذر زمانی وجوب وفا دارد که متعلقش در زمان عمل رجحان فعلی داشته باشد.

ترجیح وجوب وفای به نذر در زمانی درست است که یا نذرِ مستلزمِ ترک واجب، وجوب وفا داشته باشد یا رجحان متعلق نذر در زمان تعلق نذر کافی باشد یا رجحان ذاتی کافی باشد و از آنجایی که هر سه امر باطل است لذا وجوب وفای به نذر ترجیح ندارد و سخن صاحب جواهر نادرست است، بنابر این کسی که نذر کرد در عرفه در کربلا باشد سپس مستطیع شد، او باید حج به جا بیآورد.

نظر تحقیق در سه نقطه:

نقطه نخست:

مرحوم محقق نائینی رحمه الله ادعا دارند که وجوب وفای به نذر و وجوب حج از صغریات دو تکلیف مشروط به قدرت شرعیه هستند.

در نظر تحقیق از ناحیه وجوب حج، وجوب حج مشروط به قدرت شرعی نیست، قدرت و استطاعت در «و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا» در روایات تفسیر شده است به زاد و راحله و باز بودن راه، و این نوع قدرت و استطاعت مربوط به بحث ما نیست.

بحث ما در جایی است که عجز مکلف موجب شده است که نتواند دو تکلیف را امتثال کند، صرف قدرت در یکی او را از امتثال تکلیف دیگر عاجز میکند اما انجام نذر موضوع حج را از بین نمی برد، او را عاجز نمیکند، زاد و راحله و امنیت راه مکلف را زائل نمیکند. استطاعت در حج استطاعت خاصی است لذا کسی که آن استطاعت را داراست ولی چون به خاطر کهولت سن توانایی جسمی را ندارد، حج بر او واجب میشود و باید نائب بگیرد و بالتسبیب حج بجا بیاورد.

مشکل در حج و نذر به زمان برمیگردد، مشکل از ناحیه مال و پول نیست، که اگر پولش را در سفر کربلا مصرف کند برای حج پول ندارد، فرض آن است که پول هر دو را دارد اما مشکل او مشکل زمان است.[[1]](#footnote-1)

و از ناحیه وجوب وفای به نذر در نظر محقق نائینی وجوب وفای به نذر مشروط به قدرت شرعی است. هر چند در ادله وجوب وفای به نذر قید «ان استطعت» یا «ان قدرت» نیآمده است اما قید قدرت قید شرعی است، چون ادله وجوب وفا در نذر ادله تأسیسه نیست، ادله امضائیه هستند، ادله همان چیز را که مکلف بر خود الزام کرده است را واجب میکنند. مکلف میگوید «لله علی ان ازور الحسین علیه السلام» ، نذر مکلف انصراف به مقدور دارد، مردم چیزی را نذر میکنند که مقدورشان باشد، همان گونه که در مباحث سابق میگفتیم شرط قدرت به اقتضای خطاب است اینجا هم شرط قدرت به اقتضای خود نذر است و نذر او انصراف دارد به فرض قدرت و گویا در نذر گفته است «لله علی ان ازور الحسین سلام الله علیه ان استطعت» و شارع هم میگوید همان را بر عهده ات گذاشتم.

مرحوم محقق خویی به استاد خویش مناقشه کرده و فرموده اند قدرت در نذر اخذ نشده است.

ما در نظر تحقیق عرض میکنیم. هیچ طرف اخذ و عدم اخذ وضوح ندارد. نه سخن ایشان روشن است و نه ردّ ایشان.

ایشان استظهار میکنند که لفظ ناذر انصراف دارد به قید قدرت. ادعای ایشان صاف نیست.

ما هم نمیتوانیم باور کنیم که لفظ نذر مُفهِم اخذ قدرت در صیغه نذر باشد، مردم از شرط قدرت غافلند. ردّ ما هم صاف نیست، مثل حج نیست که محکم بتوان گفت قدرت شرعی نیست.

نقطه دوم:

محقق نائینی فرمود وجوب وفای به نذر و وجوب حج از جهت سابق و لاحق بودن از صغریات محل بحث هستند. برخی کلمات ایشان در فوائد موهم آن است که وجوب وفا سابق است، نه اینکه واجب سابق باشد، وجوب وفا هست در حالی که استطاعتی نیست لذا وجوب آن سابق است.

لکن محل بحث در جایی است که دو واجب با هم تزاحم داشته و زمان یکی مقدم باشد، صرف وجود تکلیف خاصیتی ندارد، صبح عرفه که وجوب ها مقارن همدیگر شدند مهم نیست که کدامیک پیشتر بوده است. نتیجه تزاحم دو واجب که زمان یکی مقدم است آن است که در زمانِ واجب سابق حالت منتظره ای وجود ندارد، مثلاً دو قیام که واجبند تزاحم دارند و زمانِ قیام رکعت اول مقدم است، وجوب قیام رکعت اول حالت منتظره ندارد و زمان رکعت دوم نیآمده است، در این گونه موارد است که گفته میشود ترجیح با اسبق است.

تعبیر محقق نائینی در اجود التقریرات اینگونه است که دو واجب با هم تزاحم دارند، و این تعبیر مبتلا به اشکال نیست.

محقق خویی در تعلیقه اجود التقریرات مناقشه کرده اند که مثال نذر و حج از محل بحث خارج است چون زمان وجوب حج، زمان خروج رفقه میباشد و این زمان مقدم میباشد از زمان وفای نذر.

در نظر تحقیق نمیتوانیم سخن محقق خویی را بفهمیم، طبق مبنای ایشان مقدمه واجب واجب نیست، از طرفی زیارت هم خروج رفقه دارد و آنچه مورد نظر است عبارت است وجوب خود حج و وجوب نذر که هر دو واجب روز عرفه مورد بحث و مد نظر هستند.

محقق نائینی در اجود التقریرات میفرمایند: «در وجوب وفای به نذر، زمان وفا مقدم است بر حج کردن». نمیفرمایند: «وجوب زمانش مقدم است». با این بیان زمان وفا به نذر قبل از ظهر است و حج از ظهر شروع میشود، بنابراین وفای به نذر واجبی است که زمان امتثال آن مقدم است بر امتثال حج مثال نذر و حج . از این جهت میتواند صغری بحث قرار گیرد.

نقطه سوم:

محقق نائینی قدس سره فرمودند:«سبق زمانی مرجح است در صورتی که خصوصیتی نباشد که متأخر را ترجیح دهد».

این سخن ایشان سخن متینی است، و هر مرجحی اینگونه است، مرجحیت هر مرجح زمانی است که نکته دیگر نباشد، مزاحمی برای آن نباشد. محقق نائینی این بیان را ارائه کردند تا در سخن صاحب جواهر مناقشه کنند.

ایشان در مرجحیت به اسبقیت فرمودند: اسبقیت در مثال نذر و حج دو مانع دارد، یکم: ترجیح اسبق مستلزم ترک واجب است. دوم: متعلق ترک واجب سبب میشود نذر رجحان نداشته باشد.

در نظر تحقیق مانع یکم بحث ندارد، نذر مستلزم ترک واجب است لذا ادله نذر شامل آن نیست.

لکن مانع دوم محل بحث است، اینکه زیارت امام حسین علیه السلام‌ رجحان نداشته باشد صحیح نیست، بلکه زیارت رجحان فعلی دارد اگر مکلف به حج نرود در این صورت قطعا زیارت امام حسین سلام الله علیه رجحان دارد و بهتر از آن است که در خانه بخوابد ـ اگر رجحان فعلی نداشتن را بخواهیم با امر به شیئ مقتضی از ضد درست کنیم این باز یک وجهی دارد اما شما محقق نائینی امر مقتضی نهی از ضد باشد را قبول ندارید ـ وجهی ندارد بگوییم زیارت رجحان فعلی ندارد.

برای رد صاحب جواهر همین کافی است که بگوییم نذر مستلزم ترک واجب دلیل بر وجوب وفا ندارد.

فردا ان شاء الله تلخیص بحث و مرجح چهارم.

1. مقرر: زمان منشأ شده است تا مکلف عاجز از امتثال دو واجب شود، کما اینکه در ضیق وقت زمان منشأ شده است که مکلف عاجز از امتثال ازاله مسجد و نماز شود. [↑](#footnote-ref-1)